

سیطره ماشین‌های صنعتی و اجتماعی

سیطره ماشین از ماشین‌های صنعتی که کار تولید کالاها را انجام می‌دادند به ماشین‌های اجتماعی رسید تا ماشین‌ها یا سیستم‌های اجتماعی جایگزین شخصیت‌های اجتماعی شوند. دیگر از نهادهای اجتماعی به عنوان سیستم‌های اجتماعی یاد می‌شد؛ مانند سیستم علم، سیستم سیاست یا سیستم اقتصاد.

ماشین‌های نسل اول

ماشین‌ها چند نسل داشتند. نسل اول ماشین‌ها، نسل ماشین‌های دستی بود. ماشین‌های دستی یک مسئول داشت، کسی آن‌ها را تولید کرده بود، با اصول آن‌ها آشنا بود و می‌توانست آن‌ها را به حرکت در بیاورد و به کار گیرد. در حوزه سیاست، نسل اول ماشین‌ها احزاب سیاسی بودند؛ کسانی که احساس می‌کردند قیم مردم هستند و قرار است که آن‌ها برای مردم و به جای مردم فکر کنند و تصمیم بگیرند. نسل اول ماشین‌های اجتماعی، مکتب‌های فکری بودند. مکتب‌های فکری با فیلسوفان و اندیشمندان بزرگ نسبت داشت. با نظرات آن‌ها حرکت می‌کرد. پیروانی می‌یافت که در سایه آن ماشین‌ها کار می‌کردند. این‌ها نسل ماشین‌های اولیه بودند که معمولاً به شخصیت‌هایی نسبت داده می‌شدند.

ماشین‌های نسل دوم

نسل دوم ماشین‌ها، ماشین‌های خودکار است. ماشین‌های خودکار اجتماعی، سازمان‌های بروکراتیکی بودند که به شدت علم، فرهنگ، سیاست و اقتصاد را تولید و بازتولید می‌کردند امانی شد مبد آن‌ها را پیدا کرد. مشخص نبود این ماشین‌های خودکار به کدام شخصیت متصل است. به این ترتیب شخصیت زدایی از جامعه گسترش یافت. دانشگاه‌ها نمونه ماشین‌های خودکاری اند که به طور عجیبی گسترش پیدا کردند. آن‌ها به طور خودکار علم را به سرانجام می‌رسانند. علم را تولید، تنظیم و توزیع می‌کنند. آن‌ها نمی‌شود کسی را پیدا کرد که او مسئولیت این کار را بر عهده داشته باشد، شخصی را نمی‌شود در رأس آن‌ها دید که بتوانیم با او گفت‌وگو کنیم و بپرسیم آیا این کار درست یا غلط است؟ دانش‌های تخصصی را این نسل از ماشین‌ها تولید و بازتولید می‌کنند. متخصصان را این نسل از ماشین‌ها پرورش می‌دهند. خدمات تخصصی را این نسل از ماشین‌ها ارائه می‌دهند و به صورت خودکار این امور را تنظیم می‌کنند. در حوزه دولت و سیاست هم ماشین‌های خودکاری برای تولید قانون و اجرای قانون پدید آمد که بروکراسی سازمان یافته و فربهی ایجاد کرد. این بروکراسی‌های بزرگ در قالب امور کارشناسانه‌ای رخ داد که ما به هیچ‌رو آن‌ها را نمی‌بینیم، کارشناسانی که آن‌ها را نمی‌شناسیم و هیچ‌کدام مسئولیت تصمیم‌ها و کارهایشان را بر عهده نمی‌گیرند. هیچ‌کس هدفمندی آن کارها را نمی‌تواند دریابد و نمی‌تواند با آن‌ها وارد گفت‌وگو و مناقشه بشود.

ماشین‌های نسل سوم

شخصیت زدایی از جامعه در قالب ماشینی شدن نهادهای اجتماعی ادامه پیدا کرد تا اخیراً به نسل سوم ماشین‌ها رسید. نسل سوم ماشین‌های اجتماعی، ماشین‌های باز و خودتنظیم‌گر هستند. ماشین‌هایی که حتی از خودکاری به خودتنظیم‌گری رسیدند. کاملاً هم باز هستند، یعنی حتی نمی‌توانید آینده آن‌ها را پیش‌بینی کنید. ماشین‌های خودکار پیش‌بینی‌پذیر و مهارشده بودند. می‌شد گروهی از کارشناسان دور هم بنشینند، برنامه بریزند و سیاست بگذارند و از راه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تا حدی قابل کنترل بودند؛ ولی ماشین‌های نسل سوم اجتماعی، ماشین‌هایی خودتنظیم‌گر و پیش‌بینی‌ناپذیر هستند. خود ماشین‌ها درگیر این مسئله می‌شوند که چه هدفی را چگونه باید دنبال کرد؟ پیدایش این سه نسل از ماشین‌ها، ویژگی عصر جدیدی است که ما اکنون در آن به سر می‌بریم.